

کتاب مقدس برای کودکان
تقدیم می‌کند

خدانگهدار
فرعون



مترجم: Amir Dehnaei
بازگویی از: Lyn Doerksen

نویسنده: Edward Hughes
طراحی تصاویر: Janie Forest

داستان 11 از 60

www.M1914.org

Bible for Children, PO Box 3, Winnipeg, MB R3C 2G1 Canada

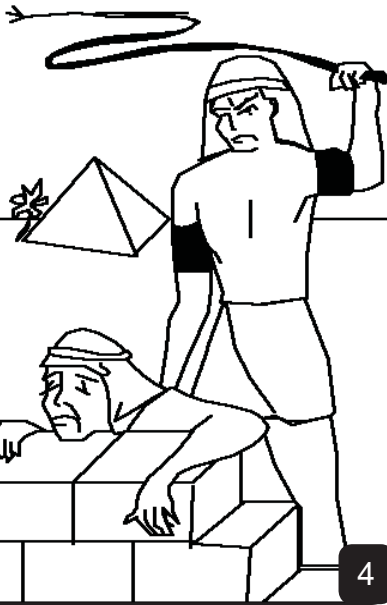
حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

فارسی

Persian



سرکارگران بعضی از برده
ها را شلاق میزدند چون
انها زمان برای جمع اوری
گاه نداشتند و نمیتوانستند به
اندازه کافی خشت بسازند.



4

"گاه را خودتان جمع کنید. ما دیگر در اختیارتان نخواهیم
گذاشت. و همینطور به اندازه قبل خشت بسازید."
این دستورات جدید
فرعون بود.



3

سپس خداوند موسی
و هارون را به نزد
فرعون فرستاد.
وقتی حاکم از بندگان
خدا خواست با نشانه
ای ادعای خود را



6

ثابت کنند، عصای
هارون به ماری
تبدیل شد.

پس مردم به خاطر این مشکلات موسی
و هارون را سرزنش
کردند. موسی جایی پیدا
کرد تا دعا کند. او گریه
کرد، "پروردگارا":
"تو قوم خود را نجات
نمیده‌ی". خداوند پاسخ



5

داد "من پروردگار
هستم، و قوم خود را
ازاد خواهم ساخت."

صبح روز بعد، هارون و موسی فرعون را در کنار رود
ملاقات کردند. وقتی که هارون عصای خود را بیرون
آورد، پروردگار اب را به خون
تبدیل کرد.



8

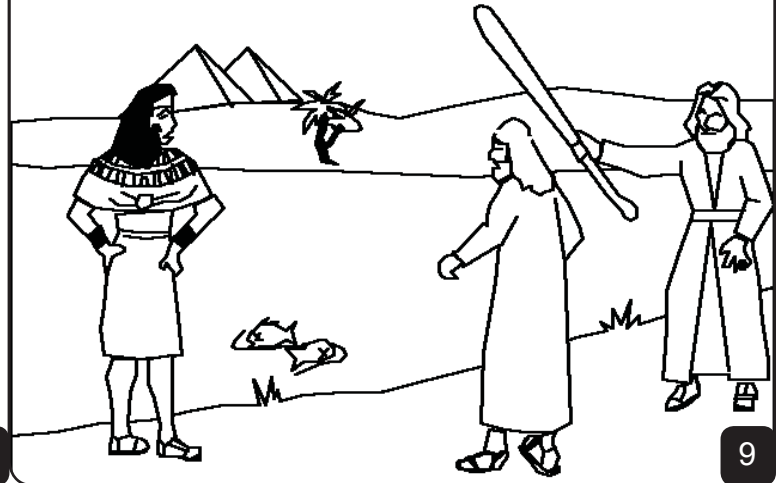
ماهیها
مردند، مردم
هم نمیتوانستند
اب بنوشند!

فرعون رنجیده شد و جادوگران
خود را فرا خواند. وقتیکه
جادوگران مصری عصاهای
خود را بر زمین انداختند،
هر عصا تبدیل به ماری شد.
اما عصای هارون بقیه را
خورد. اما هنوز فرعون
اجازه نمیداد تا قوم
اسرائیل
بروند.



7

اما فرعون سنگدل تر شد. او نمی خواست اجازه دهد تا اسراییلیان مصر را ترک کنند.



9

دوباره، موسی به فرعون گفت تا اجازه دهد که قوم خداوند بروند. فرعون باز هم نپذیرفت. خداوند بلایی دیگر فرستاد. تمام سرزمین مصر از قورباغه پوشیده شده بود. تمامی خانه ها، تمامی اتاقها، و تمامی تنورها پر از قورباغه بود.



10

سپس خداوند میلیاردها حشره کوچک به نام شپش را فرستاد. همه انسانها و حیوانات از گزش آنها دچار خارش شدند، و هنوز فرعون نمی خواست به سمت پروردگار برود.



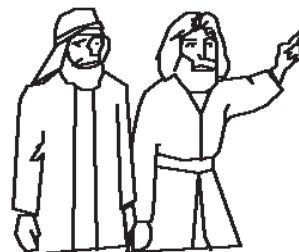
12

فرعون خواهش کرد، "به حضور پروردگار دعا کنید تا او قورباغه ها را دور کند." "سپس اجازه خواهم داد مردم تو بروند." وقتی که قورباغه ها رفتند فرعون نظر خود را تغییر داد. او اجازه نمی داد تا برده ها ازاد باشند.



11

بعد از آن خداوند تعداد بسیار زیادی از مگسها را فرستاد. پروردگار بلایی فرستاد تا حیوانات مصریان از بین بروند.



13

خداوند تاولهایی دردناک فرستاد. مردم دچار درد و رنج شدیدی شدند. هنوز فرعون در برابر خداوند مقاومت می کرد.



14



سپس پروردگار سه روز تاریکی غلیظ فرستاد. اما فرعون لجباز اجازه نمی داد تا قوم اسرائیل آزاد شوند.

16



بعد از بلای تاول، پروردگار ملخهای زیادی را فرستاد. ملخها همه گیاهان سبز را که بر روی زمین بود خوردند.

15



در نیمه شب گریه و زاری شدیدی مصر را فرا خواهد گرفت. مرگ رخ داد. در هر خانه ای حداقل یک نفر کشته شد.

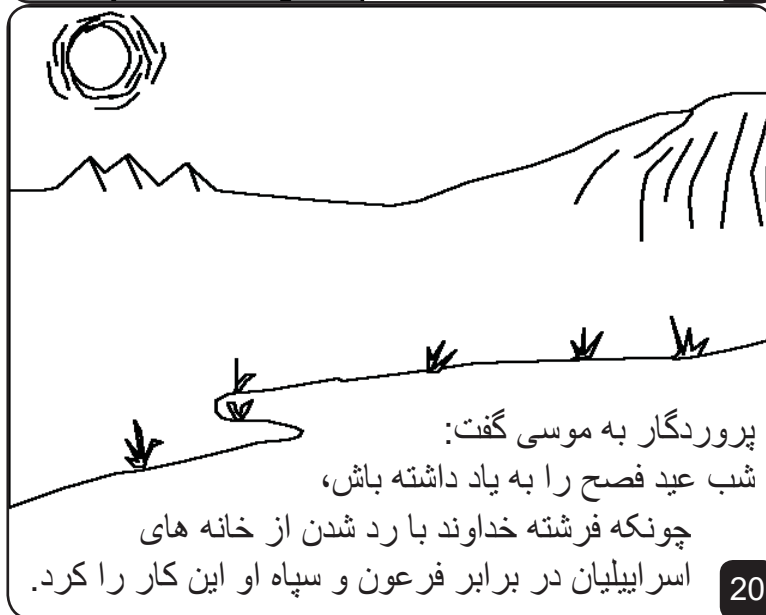
18



"پروردگار هشدار داد که"

یک بلای دیگر نیز میفرستم. "حدود نیمه شب تمامی نخست زادگان انسان و حیوان کشته خواهند شد." پروردگار به اسرائیلیان گفت اگر آنها به دروازه هایشان خون گوسفند بپاشند، به نخست زاده هایشان آسیبی نمیرسد.

17



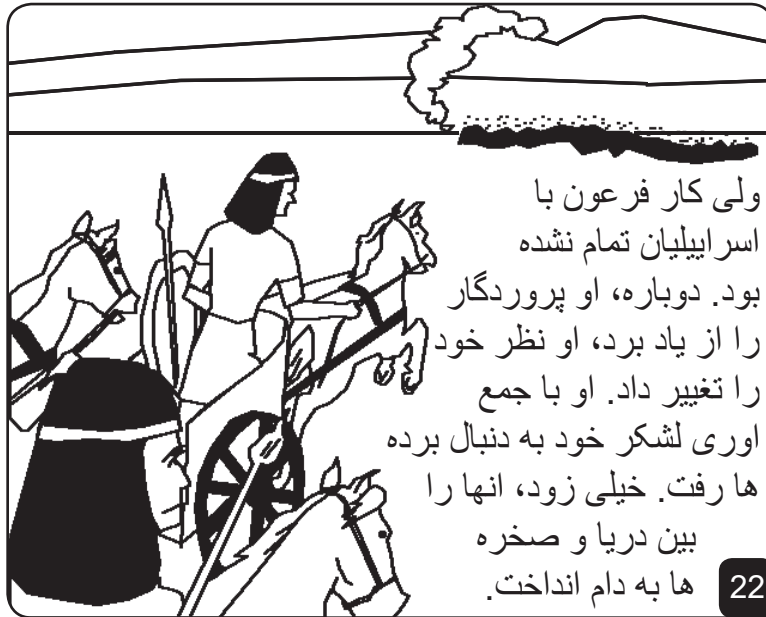
پروردگار به موسی گفت: شب عید فصح را به یاد داشته باش، چونکه فرشته خداوند با رد شدن از خانه های اسرائیلیان در برابر فرعون و سپاه او این کار را کرد.

20



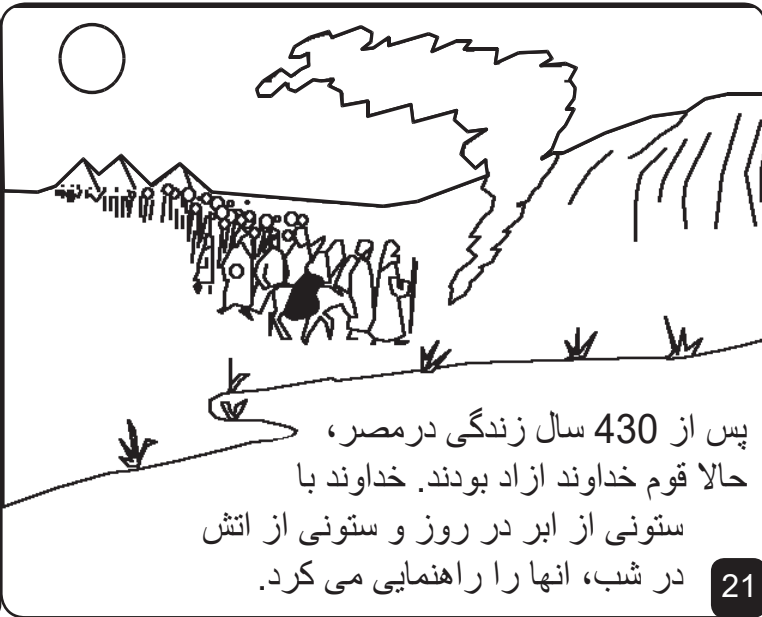
فرعون از موسی خواهش کرد، "بیرون روند." "برو، پروردگار را ستایش کن." خیلی زود قوم خداوند از مرزهای مصر رد شدند.

19



ولی کار فرعون با
اسرائیلیان تمام نشده
بود. دوباره، او پروردگار
را از یاد برد، او نظر خود
را تغییر داد. او با جمع
آوری لشکر خود به دنبال برده
ها رفت. خیلی زود، آنها را
بین دریا و صخره
ها به دام انداخت.

22



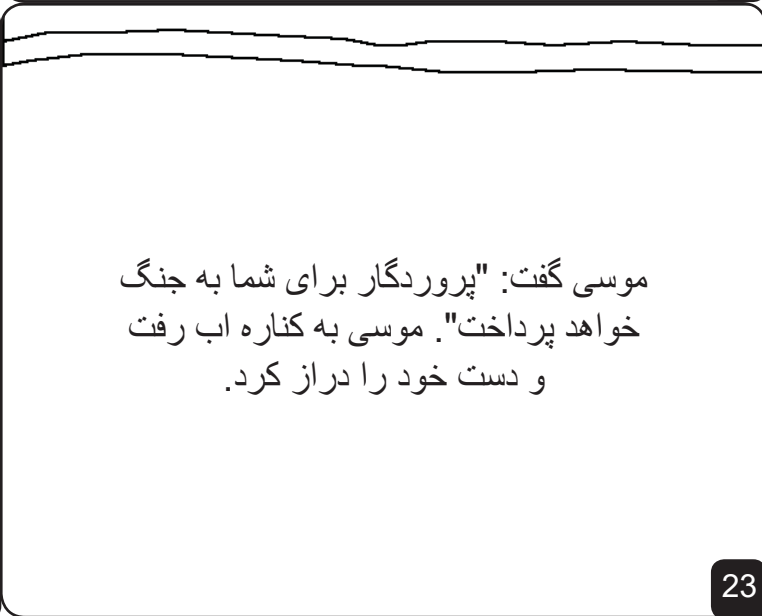
پس از 430 سال زندگی در مصر،
حالا قوم خداوند آزاد بودند. خداوند با
ستونی از ابر در روز و ستونی از آتش
در شب، آنها را راهنمایی می کرد.

21



معجزه بزرگ رخ
داد. خداوند راه را
در میان آب باز
کرد. مردم به
سلامت رد
شدند.

24



موسی گفت: "پروردگار برای شما به جنگ
خواهد پرداخت". موسی به کناره آب رفت
و دست خود را دراز کرد.

23

خدا نگهدار فرعون

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

خروج 4-15

"کشف کلام تو نور می بخشد."
مزمور 119: 130



است.

25

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند. مجازات گناه مرگ است.

خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را فرستاد تا با مرگش بر روی صلیب مجازات گناه ما را بپردازد. عیسی پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. به این وسیله خدا اکنون می‌تواند گناهان ما را ببخشد.

اگر می‌خواهی از گناهان خود توبه کنی، این دعا را نزد خدا بکن: خداوندا من ایمان دارم که عیسی برای گناهان من مُرد و اکنون دوباره زنده است. خواهش می‌کنم وارد زندگی من بشو و گناهان مرا ببخش تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو باشم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن!